

دارد؟ مورد بوده که آدم سالم به خاطر یک تب و لرز ساده رفته و اشتباهی آمپول بیماران خاص را به او تزریق کرده‌اند و با ویلچر به خانه برگشته است و چندین ماه با این مشکل ناشی از قصور و اشتباه دست به گریبان بوده. پزشک یا پرستار در سیرجان دیده ام که وقتی با یک بیمار خاص روبرو شده‌اند از صدا تا عامی رفتار بد و فعه بار تری داشته‌اند و طوری علنی برای طرف دلسوزی کرده‌اند که نتیجه اش جز تزریق حجم بزرگی از حس بدبختی و ناامیدی از زندگی نبوده است.

این‌ها را همه من خود به چشم دیده ام. نه که از دیگران شنیده باشم. دیده ام ویزیت دور همی برخی پزشکان را که بیماران را دست جمعی راه می دهند. دیده ام پول پرستی برخی پزشکان را که دختر ۱۴ ساله‌ی لاغر و تکیده را عمل جراحی زیبایی بینی کرده تا فقط خوب پولش را بگیرند بدون توجه به اینکه این دختر با این سن و وزن کمش چقدر باید خون از دست بدهد و مدتی راه هم نتواند برود چون رسانه‌ها حس زشت بودن را به او القا کرده بوده‌اند. به برخی پزشکان خوب پول می‌گیرد اما خوب خدمات تشخیص درد و تجویز را ارائه نمی دهند و پاسخگوی بیمار و گلایه‌هایش هم نیستند. تشخیص‌های اشتباه یا تجویزهای اشتباه که یا منجر به از دست رفتن فرصت بیمار برای درمان درست شده و یا جانش را بازیچه

قرار داده نیز زبازد پزشکان شهرهای دیگر درباره‌ی شرایط درمانی سیرجان است! چرا؟ برای چه شهر ما محل مراجعه توریست‌های درمان بشود؟ شهری با این شهرت، بیماران خودش را هم می پراند به یزد و کرمان و شیراز. شما سخت افزار چنین شهری را هرچقدر هم تجهیز کنی، تا نرم افزار درمانی اش چنین بسته‌ی زشتی است، چیزی عوض نمی‌شود. ابتدا باید بپذیریم که متأسفانه سیرجان تبدیل شده به شهری برای تجربه آموزشی نیروهای جوان حوزه‌ی پزشکی. اینکه بعد گرفتن تخصص برای آندوختن تجربه و مال به شهر ما بیایند و بعدها به شهر خودشان برگردند. در این سال‌ها هروقت همین مشکلات را رسانه‌های محلی به نظام پزشکی برده‌اند با این جمله روبرو شده‌اند که تا شکایت نشود از دست ما کاری بر نمی‌آید.

مردم هم که برای موارد کوچک شکایت نمی کنند و برای موارد بزرگ هم شکایت شده اما اتفاق خاصی در تغییر روند انجام نشده است. جدای از اینکه تا کنون سازمان نظام پزشکی با همکاری دانشکده پزشکی سیرجان حتا نکوشیده‌اند با برگزاری کارگاه آموزش اخلاق پزشکی و سمینار وجدان شغلی و... گامی در پیشبرد فرهنگ برخورد با بیمار برداشته باشد. به هر حال پزشکی پیش و بیش از آنکه تجارت باشد، دانش است و از دانشمند توقع می‌رود حکیمی بی حرص و آز چون رازی و ابن سینا باشد.

